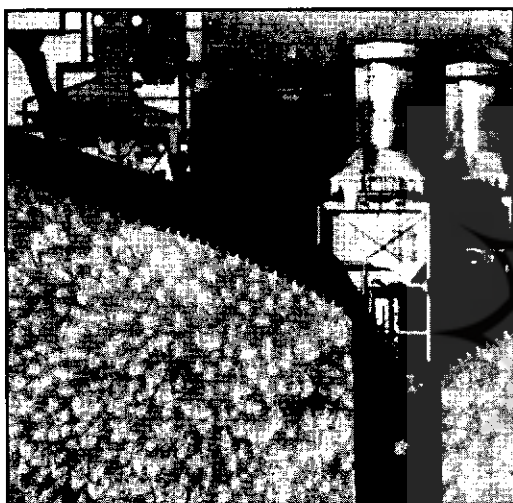


امنیت اقتصادی، زمینه‌ای برای حمایت از تولید ملی

مهندس آرش شاهین



قانون و هویت پایدار آن:

هر قانونی نمی‌تواند به امنیت اقتصادی تداوم بخشد و ادامه وجود آن را تضمین کند. قانون باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند استمرار امنیت اقتصادی را تضمین کند. از جمله ویژگی‌های یادشده، هویت پایدار قانون است. یعنی اینکه مفاد قانون مرتبط با امنیت اقتصادی، هر لحظه و هر روز عوض نشود و حالت پایدار داشته باشد. دیگر این که اصول روابط اقتصادی در قوانین مصوبه باید

روشن و مشخص باشد و بخشنامه‌هایی که پیرامون آن صادر می‌شود، تکلیف همه مرتبطین با آن را بطور قطعی روشن کند و در عین حال، جای تخلف از مفاد آن را برای کسی باقی نگذارد.

امنیت قضایی که با وضع قوانین سنجیده و جامع آغاز شود و خیر و صلاح کل جامعه و ملت را در زمان حال و آینده مدنظر قرار دهد، روح فعالیت، تولید، کسب و کار و درآمد مشروع را در کالبد مردم می‌دمد و سبب ارتقای کیفیت، امنیت اجتماعی و اقتصادی می‌شود. تجدیدنظرهای زود به زود در قوانین، مقررات و بخشنامه‌های دولتی گویای تهیه و تدوین عجولانه آنهاست که ضمن ایجاد سردرگمی در مردم، بی‌اعتمادی مردم به

امنیت اقتصادی از مباحث پراهمیت و حساسی است که بویژه پس از اجرای سیاست‌های نوین اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و درباره آن بحث و گفتگو شده است. از دیدگاه عمومی، امنیت معمولاً تنها از جنبه سیاسی مطرح است و آن، برقراری ثباتی است که فعالیت‌های سالم سیاسی را امکان‌پذیر سازد. شبیه این وضع در اقتصاد نیز وجود دارد و آن وقتی است که سرمایه‌گذار عیناً مشابه یک انسان، هویت یابد و همانقدر که انسان نیاز به امنیت دارد و باید حرکت‌هایی که در زندگی مرتکب می‌شود حفاظت شده باشد، سرمایه‌گذار نیز باید به اقدامات حفاظت‌شده نیاز دارد و باید از تهاجم‌های گوناگون مصون باشد. از این رو، سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که قوانین و قواعدی برای حراست از سرمایه‌های او وجود دارد و مسئولان اقتصادی کشور نیز با تمام امکانات، سعی در اجرای آنها دارند. از این دید، وجود قانون یکی از ضرورت‌های برقراری امنیت اقتصادی و یکی از پایه‌ها و ستون‌های اصلی آن است، زیرا در روابط اقتصادی تا قانون مشخص و روشنی وجود نداشته باشد، امنیت اقتصادی وجود خارجی نخواهد داشت.

بخشی از خطرپذیری (ریسک RISK) در فعالیت‌های خود را که ناشی از مقررات و بخشنامه‌های ناپایدار دولتی است، به حداقل برسانند و ضرر و زیان خود را در حد معقول نگه دارند. با حذف نخالتهای غیرضروری و بی‌مورد دولت در امور مردم و انجام بررسی‌های جامع قبل از سرمایه‌گذاریها، امکان آن وجود دارد که امنیت اقتصادی بهتری، با کیفیت و ضریب اطمینان بالاتر برای مردم تأمین شده و توسعه تولید ملی شتاب گیرد.

امنیت سیاسی، لازمه امنیت اقتصادی:

قانون می‌تواند روی امنیت اقتصادی اثر بگذارد. از سوی دیگر، امنیت اقتصادی مقوله‌ای جدا از امنیت سیاسی نیست و

که تهدیدش می‌کند نجات دهد.

بخش دولتی و امنیت اقتصادی:

هم‌اکنون دولت در کشور ما بزرگترین مالک و سرمایه‌دار ریالی و ارزی است. دولت، میلیونها هکتار زمین، باغ، ملک، مستغلات، مرتع و جنگل در تملک خود دارد و کلیه منابع زیرزمینی مانند نفت، گاز، سنگ آهن، مس و طلا متعلق به دولت است. دولت سالانه دریافت‌کننده درآمدهای نفتی میلیاردی است و هواپیماها، کشتی‌های باری، نفتکش‌ها، قطار و هزاران کارخانه، سازمان، بنیاد، بنگاه، شرکت و مؤسسه را در مالکیت و تصدی خود دارد. مهمتر از همه، دولت دستگاه چاپ اسکناس و یک شبکه بانکی که پس‌اندازهای مردم را جمع‌آوری می‌کند، در اختیار و کنترل خود قرار داده است. به همین مناسبت، دولت در ایران تنها منبع اصلی هرگونه سرمایه‌گذاری است و سالانه افزون بر ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را تولید می‌کند. از طرف دیگر، دولت در ایران بزرگترین متصدی و کارفرماست و هر ماه چندین میلیون نفر را حقوق می‌دهد. نان، آب، برق، مدرسه و بهداشت مردم را تأمین می‌کند و تقریباً فعالیتی وجود ندارد که زیر نظر و کنترل دولت نباشد. همه این خصوصیتها بر دولتی بودن شدید و گسترده اقتصاد ایران با تمامی عیوب و نقصهایی که بر مدیریت دولتی وارد است دلالت دارد.

کارگزاری به جای حفظ امنیت اقتصادی:

یکی از بلایای امنیت اقتصادی، بزرگ شدن بی‌رویه دولت و حجم کارها و فعالیت‌هایش است. دولت وقتی متورم و بزرگ می‌شود، از جایگاه اصلی‌اش که حفظ امنیت اقتصادی است بیرون می‌رود و به یک تاجر و

برقراری و حفظ امنیت اقتصادی نیز بی‌شک به زمینه‌ها و ابزارهای نیاز دارد که فراهم آوردن آنها جزو اولویتهای مجموعه نظام، از دولت گرفته تا قوه مقننه و قضائیه است

پس اندازهای جزئی، به دلیل وجود تورم نسبتاً شدید ناشی از کسر بودجه دولت که عملاً نسبت به خودداری از مصرف، پاداشی دریافت نکرده‌اند.

همچنین کارمند، کارگر و سرمایه‌گذار جز، همگی با ناامنی اقتصادی مواجه هستند. این ناامنی هرگونه انگیزه برای بهتر و بیشتر کار کردن را از آنان سلب کرده و میل به پس‌انداز بیشتر و در نتیجه، ارتقای سطح پس‌انداز ملی را در مردم از میان برده است. البته تولید ملی بدون شرکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ممکن است،

بنابراین در درجه اول باید امنیت سیاسی وجود داشته باشد تا در سایه آن، امنیت اقتصادی هم بتواند بوجود آید و ادامه حیات دهد. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد هرچه امنیت سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، امنیت اقتصادی در درجه بالاتری قرار دارد. امنیت اقتصادی به وضعی گفته می‌شود که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت کنند و از سرمایه‌گذاری با اهداف بلندنگر ترس و واهمه‌ای نداشته باشند. در این صورت سرمایه‌گذاری می‌تواند قوت اقتصادی لازم را کسب کند و به نفع جامعه باشد.

ناامنی اقتصادی و کاهش قدرت خرید:

نتیجه نبود امنیت اقتصادی با کیفیت مطلوب و در حد لازم و کافی، معمولاً در افول شاخصهای کلان اقتصادی سرانه ثبت می‌شوند. متأسفانه مجموعه شرایط و عوامل بوجود آورنده ناامنی اقتصادی، مدتی است که در بطن جامعه رسوخ کرده است. برای نمونه می‌توان موارد زیر را که در سالهای اخیر با آنها مواجه بوده‌ایم عنوان نماییم:

- از دست دادن بخش قابل توجهی از قدرت خرید در کارکن دولت.
- محروم بودن نیروی کار صنعتی کشور از درصد عمده‌ای از قدرت خرید دستمزدهای خود، علی‌رغم بهره‌وری ثبت شده سالانه.
- دریافت بهره‌های غیر واقعی و عمدتاً منفی از سیستم بانکی دولتی توسط صاحبان



ولی مؤید کارایی و متضمن نوام و کیفیت و رضایت خاطر مردم و ثبات اقتصادی نیست. بنابراین باید سیاستهای لازم در جهت انتقال داراییهای دولتی به مردم، تقویت بخش خصوصی و ایجاد زمینه برای رقابتهای سالم سریعاً پیاده شود، چرا که تنها اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مطلوب است که می‌تواند جامعه کنونی ما را از خطرهایی

اصولاً اقتصادی موفق است که عوامل تولیدی اش آسان و ارزان بدست آید، برای رسیدن به این منظور نیز مواردی که سبب سخت و گران به دست آمدن عوامل تولید می شود باید از میان برداشته شود

می شود. در اینجا به تحلیل بعضی از این عوامل در اقتصاد ایران می پردازیم:

۱- دورنمای اقتصادی:

رشد اقتصادی سالانه و درصد آن و رقمی که برای رسیدن به آن برنامه ریزی می شود.

۲- رشد تورم:

ساختار بنیانی آن، پیش بینی افزایش تورم، ساختار هزینه های دولت و سیاست کنترل قیمتها.

۳- سیاستهای پولی و مالی دولت:

سیاست کسر بودجه، سیاست پولی و انقباضی، نرخ سود سپرده های بلندمدت، سیستم بانکی و عملکرد آن، و پیش بینی حرکت های بعدی بانک مرکزی در مورد تعیین ارز، مقررات گشایش اعتبار و نظایر آنها.

۴- سیاستهای ارزی:

شناور کردن پول ملی، کاهش ارزش پول ملی، تأثیر مسایل سیاسی روی تغییر ارزش پول ملی و تضعیف بیشتر آن، تأثیر مسایل اقتصادی روی تغییر ارزی پول ملی و تضعیف بیشتر آن، تغییرات پی در پی در سیاستها و سردرگمی.

۵- تراز پرداختها:

کاهش واردات، در نوسان بودن قیمت نفت، بدهی های معوق سررسید شده خارجی.

۶- بدهی به خارج:

عدم امکان وام گیری و اعتبار از خارج بعلت بدهی های قبلی و بالا بردن نرخ.

۷- پیش بینی های مربوط به بخشهای گوناگون اقتصادی:

۱-۷- بخش صنعت: حرکت بسوی

راه دستیابی به امنیت اقتصادی دانسته می شود.

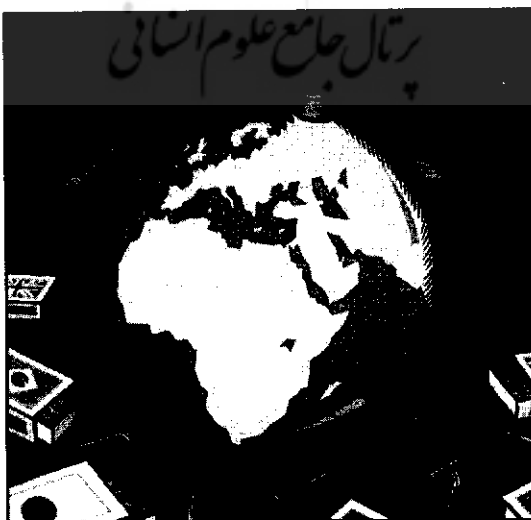
امنیت اقتصادی و اهمیت تصمیمات دولت در سرمایه گذاریها:

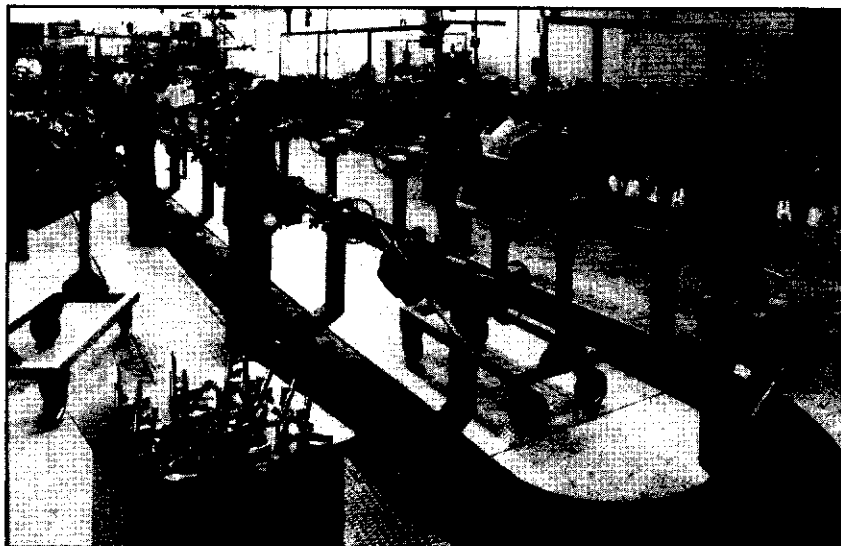
سرمایه گذاری را می توان قبول خطر در مالکیت خاصی تلقی کرد و سرمایه گذار ضمن پذیرفتن خطر در سرمایه گذاری، مایل است تا آنجا که مقدور است، ریسک را محاسبه و آنگاه مبادرت به سرمایه گذاری کند. ملاک او در محاسبه ریسک، تعدادی عوامل درونی در آن سرمایه گذاری خاص و برخی عوامل بیرونی ناشی از اقتصاد ملی و سیاست خارجی است. هرکدام از این عوامل در شکل گیری تصمیم نهائی موثر هستند. عوامل درونی می تواند حجم بازار، قیمت فروش، نرخ رشد بازار، سهم بازار، مخارج سرمایه گذاری، هزینه های ثابت و عملیاتی، نرخ بازده و نظایر آن باشد که در این مقاله به آنها نپرداخته و تنها به عوامل بیرونی که ناشی از تصمیمات دولت است اشاره بیشتری

کارگزار اقتصادی تبدیل می شود که همه فعالیت های اقتصادی را می خواهد خودش انجام دهد. این وضع، سبب تداخل دولت با کارگزاری اقتصادی که وظیفه اش نیست می شود. شرایط گفته شده در مواقعی که دولت زیر فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی است و منابع آن هم محدود می شود، شدت می گیرد و به دلیل تقویت نامعقول تر بخش کارگزاری دولت، در امنیت اقتصادی اختلال بوجود می آید و این امر به تشدید رکود اقتصادی می انجامد. لازم به ذکر است که در اینجا کارگزاری دولت به معنای عامل اقتصادی بودن آن است و نه واسطه بودن دولت. کمال مطلوب آن است که دولت بر جایگاه واقعی خود بنشیند، برقراری و حفظ امنیت اقتصادی را برعهده گیرد و کارگزاری اقتصادی را به ملت واگذار نماید.

رابطه دولت و بخش خصوصی:

در کنار دولت، در ایران بخش خصوصی وجود دارد، با جمعیت رو به تزاید، سرمایه و املاک خرد، که سالانه خردتر، کوچکتر و غیراقتصادی تر هم می شود. در نظام های اشتراکی، نه مجریان دولتی انگیزه ای برای کار و کوشش بیشتر دارند و نه مردم. کارکنان دولت تظاهر به کار می کنند ولی نهایتاً چیز چندانی تولید نمی شود. دولت نیز تظاهر به پرداخت حقوق و دستمزد می کند، ولی عملاً چیز قابل توجهی عاید کسی نمی شود. شاید بتوان گفت که اگر وضعیت کنونی یعنی توسعه فراگیر مالکیت و تصدی دولتی بر همین منوال پیش برود و مالکیت و ترکیب آن از شیوه خصوصی سازی به نفع مالکیت خصوصی تغییر نکند، پیامدهای نامطلوبی را دیر یا زود بر صحنه اقتصاد ملی و تولید ملی بر جای می گذارد. به جرات می توان گفت که کوچک کردن دولت بدون کسر ابعاد نظارتی آن، اصلی ترین





اقتصاد بازار آزاد و خصوصی سازی و درجه تحقق و موقعیت و حجم سرمایه گذاریها.

۲-۷. بخش کشاورزی، مسأله مالکیت اراضی، بود یا نبود حمایت از خرده مالکین، تضمین حداقل قیمتها یا نبود هر قیمتی، برنامه های دولت برای محصولات این بخش و دخالت خود دولت در این موارد.

۳-۷. بخش گاز، نفت و انرژی: افزایش ظرفیتها، میزان مشارکت بخش خصوصی و میزان تکیه به امکانات داخلی، نرخ و برنامه تحولات در انرژی، مشارکت خارجی ها در سرمایه گذاریها و نبود برق کافی.

۴-۷. بخش حمل و نقل: میزان استفاده از هریک از امکانات مواصلاتی و هزینه های آن. هریک از عوامل اشاره شده فوق، بطور جدی در تصمیم گیری سرمایه گذار دخیل است و تغییرات پی در پی سیاستها، توان پیش بینی را از سرمایه گذار سلب کرده و وضعیت را بگونه ای در آورده است که محاسبه ریسک را حتی اگر بسیار بالا هم باشد غیرممکن ساخته است. در این مورد سعی در القای این نظر نیست که حرکتی شود که ریسک پایین بیاید، بلکه سعی در ارائه این نظریه است که حتی سیاستهای غیراصولی و نامناسب اگر از ثبات برخوردار باشد، به مراتب از تغییرات پی در پی بهتر است، چرا که بالاخره سرمایه گذار با ریسکی بالاتر شرایط را یا می پذیرد و سرمایه گذاری را انجام می دهد و یا منصرف می شود. اگرچه بخشی از سرمایه گذاران که خاصیت ریسک پذیری بیشتری دارند وارد عرصه می شوند، ولی در شرایط تغییرات پی در پی، هیچ سرمایه گذاری توان محاسبه خطر و قدرت عمل سرمایه گذاری را ندارد.

نتیجه گیری:

در غیاب امنیت و آرامش خاطر، هیچ فعالیتی به شکل دلخواه به ثمر نمی نشیند و آثار و نتایج مثبت به بار نمی آورد. برقراری و

ارزان بدست آید، برای رسیدن به این منظور نیز مواردی که سبب سخت و گران به دست آمدن عوامل تولید می شود باید از میان برداشته شود. برای قابل پیش بینی کردن رفتارهای اقتصادی و در نتیجه پایین آوردن هزینه های دستیابی به عوامل تولید، حرکتیهای اقتصادی باید نظام یافته و قانونمند باشند، تا جائیکه درک و پیش بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد، امکان پذیر شود. از سوی دیگر تلاش انسان در دو جنبه کلی و عمومی است، یعنی بدست آوردن سود و امکانات مادی و کسب اعتبار و شخصیت معنوی. اگر در حرکتیهای اقتصادی فقط به جنبه اول فعالیتها بها دهیم، از نظر اقتصادی نیز به رشد مورد نظر دست نمی یابیم. بنابراین در کنار فراهم آوردن سود مادی، امکاناتی باید فراهم آید که سرمایه گذار از وجهه معنوی هم برخوردار شود، و در چنین شرایطی است که انسانهای خلاق، سازنده و صاحب شأن و منزلت اجتماعی پدید می آیند و فعالیتهایشان را در مسیر توسعه و حمایت از تولید ملی کشور متمرکز می کنند. ■

ماخذ:

از مجموعه ارائه شده به دومین سمینار حمایت از تولید ملی

حفظ امنیت اقتصادی نیز بی شک به زمینه ها و ابزارهای نیاز دارد که فراهم آوردن آنها جزو اولویتهای مجموعه نظام، از دولت گرفته تا قوه مقننه و قضائیه است. واقعیت آن است که بی توجهی به مسائل محوری توسعه که امنیت اقتصادی یکی از آنهاست و عبور از کنار آنها، هیچ چیز را به نفع مردم و نظام تغییر نخواهد داد.

مسأله ریسک پذیری، موضوعی روشن و ملموس است و همانطور که اشاره شد با ثبات و پایداری قوانین و دستورالعملهای اقتصادی می تواند به حداقل برسد. سرمایه گذار باید از عاقبت کار و فعالیتش مطمئن باشد و احساس کند قوانین روشن، محکم و پایدار برای حراست از سرمایه اش وجود دارد. دستیابی به یک نظام ارزشی برای برقراری امنیت اقتصادی، لازم و ضروری است، یعنی مثلاً همانطور که یک کارگر مبتکر و خلاق از موقعیت و منزلت اجتماعی برخوردار است، یک سرمایه گذار هم باید از موقعیت مناسب برخوردار باشد، وگرنه سرمایه گذاری به جهتی سوق داده می شود که با فعالیتهای سالم اقتصادی مغایرت دارد و با مسیر و مجرای مورد نیاز توسعه در تضاد است. اصولاً اقتصادی موفق است که عوامل تولیدی اش آسسان و